

پایان خوش پایان نامه‌ها

۱۶، ۲۰۰

به سود بانک‌ها

«فرهیختگان» آثار بخشنامه اخیر شورای پول و اعتبار درباره تغییر نحوه محاسبه سود سپرده‌های بانکی را بررسی می‌کند

۱۸۰۰

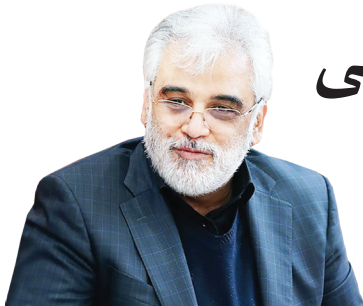


عکس ایران

دکتر طهرانچی در پاسخ به «فرهیختگان»:

طرح پایش نگاهی کاربردی به علوم انسانی دارد

۲۰۰۰



تحلیل | تکرار در فرم‌روایی، عقب‌گرد در طرح معما



میلاد حضرت مسیح (ع) مبارک باد
روزنامه خبری تحلیلی، دانشگاهی، صبح ایران
صدای نخبگان، نگاه جوانان

۱۶ صفحه
۶۰۰ تومان

شماره مسلسل ۳۴۰۳
شماره ۴ دی ۱۳۹۷
۱۷ ربیع الثانی ۱۴۴۰
۲۵ دسامبر ۲۰۱۸
شماره ۲۶۶۵

www.ferehyekhtegan.com No. 2665 | 16 Pages

تحلیل پرویز امینی از «همه می‌دانند»
آخرین ساخته اصغر فرهادی

تکرار در فرم‌روایی عقب‌گرد در طرح معما

۱۰۰۰

عکس ایران

ورود دیر هنگام کانون وکلا به تخلفات موسسات حقوقی!

بی‌قانونی قانون دانان

۱۸۰۰

سید یاسر جبرائیلی در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

مرکز اطلاعات مالی را به قوه قضائیه منتقل کنید

۲۰۰۰

حضور در طرح «پایش» با هنر و معماری

۱۸۰۰

مرتضی قائمی

رئیس دانشگاه آزاد اسلامی استان همدان

با توجه به اینکه تاکنون طرح‌ها، پایان نامه‌ها و برنامه‌های پژوهشی در کشور در همه دانشگاه‌ها به‌صورت پراکنده، غیرمنسجم و متفرق انجام شده است، مساله دستیابی به اهداف مشخص و نظام‌مند را برای دانشگاه‌ها مشکل کرده است. در چند سال اخیر، طرح‌ها و پژوهش‌های بسیار پراکنده‌ای در موضوعات مختلف به‌صورت ناقص در دانشگاه‌ها انجام شده است، البته نتایج آن یکدیگر را برای رسیدن به یک مجموعه تحقیقاتی کامل و مشکل‌گشا پشتیبانی نمی‌کنند. درحالی‌که این امکان وجود دارد که با ایجاد انسجام در این طرح‌ها، رساله‌ها و پژوهش‌ها تحقیقاتی انجام شود که در موضوعات مختلف همه جوانب را بسنجد و تحقیقات قبلی را برای رسیدن به نتایج مشخص و متمرکزر در موضوعات گوناگون و بااهمیت کشور، مقدمه قرار دهد. به‌نظر بنده این کار و هدف با اجرای طرح «پایش» محقق می‌شود. این طرح می‌تواند با موضوع بندی و تمرکز بر موضوعات و محتوای‌های مشخص، همه پژوهشگران را به‌سمت رفع نیازهای کشور و مسائل جامعه سوق دهد و راهنمایی کند. بنابراین امیدواریم با همکاری همه واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی در سراسر کشور، این طرح به بهترین شکل اجرا شود تا بتوانیم شاهد انجام تحقیقاتی منسجم و هدفمند با تمرکز بر یک یا چند موضوع مشخص باشیم. توجه عمیق به مشکلات واقعی و بااهمیت جامعه، می‌تواند مأموریت و رسالت دانشگاه‌هایی باشد که به‌دنبال حل مشکلات کشور و تربیت نیروی انسانی کارآمد و کارآفرین هستند؛ درحقیقت همه آنچه بیان کردم می‌تواند با اجرای طرح «پایش» میسر و قابل دسترسی باشد. در این میان دانشگاه آزاد اسلامی همدان با دارابودن بیش از ۱۴ هزار دانشجو، ۱۰۶ رشته تحصیلی از مقطع کاردانی تا دکتری،

جهان فیلم

این فیلم، تقابل بین پاکو و آلفاندرو را نشان می‌دهد. آلفاندرو از خدا و مذهب و کلیسا نمایندگی می‌کند و از طرف دیگر پاکو نماینده کسی است که به خدا و کلیسا و مذهب اعتقادی ندارد.

در یکی از تعیین‌کننده‌ترین سکانس‌های فیلم، جایی که دیالوگ بین آلفاندرو و پاکو در جریان است، آلفاندرو می‌گوید خداوند خودش ایزنه را نجات می‌دهد و نیازی به پول پاکو برای آزادی او نیست. اما پاکو دوبار با استفاده از کتاری روی واژه خدا (خدا؟)، نشان می‌دهد به چنین چیزی اعتقاد ندارد و درنهایت با کنایه به او می‌گوید که فرض کن خدای تو این بار می‌خواهد از طریق من ایزنه را نجات بدهد! آلفاندرو کسی است که به کلیسا کمک می‌کند و از طرف دیگر پاکو وقتی کشیش می‌خواهد دعا کند، می‌گوید این آمده دوباره گدایی کند. درنهایت این پاکو است یا پول فروش مزرعه شرابش (همان چیزی که آلفاندرو با ادبیات منفی می‌گوید سال‌های طولانی است آن را کنار گذاشته است و دوره جدید زندگی او از همین زمان و با کنار گذاشتن خوردنی‌های الکلی آغاز شده است) و دادن آن به آدم‌ربایان، ایزنه را نجات می‌دهد و برعکس آلفاندرو که دارای چهره‌ای منفعل است، در چهره فرمان این غائله شناخته می‌شود.

در سکانس پایانی چهره منفعل آلفاندرو در موضع سیاست‌گرایی از پاکو و برعکس چهره فعال پاکو و احساس رضایت از خودش علی‌رغم از دست دادن همسر و مزعزعاتش نمایان است. فرهادی در این فیلم، شفاف‌تر از مذهب حرف می‌زند. اما او مذهب را کجا نشان می‌دهد؟ در روستایی که نسبتاً دورافتاده با کلیسایی که نمادهاش از کار افتاده است و هیچ یک از اهالی روستا به آن اعتقادی ندارند و حتی حاضر نیستند برای تعمیر ناقوس کلیسا پول بدهند. پس مذهب در دورافتاده‌ترین جاها است که مردمش هم به آن اعتقادی ندارند. حالا فیلم به این سوال که مذهب در جهان جدید در کجا نقش دارد، چگونه جواب می‌دهد؟ فرهادی می‌گوید سنت یا مذهب را علی‌رغم داوری منفی، نمی‌توان کنار گذاشت (همین داوری را در فیلم گذشته نیز دارد) و برای مذهب دو نقش را قائل است: یک اینکه مذهب بخشی از تشریفات زندگی انسان است مثلاً برنامه عقد در کلیسا برپا شود حتی اگر آدم‌هایی باشند که به کلیسا اعتقادی ندارند. دوم اینکه مذهب ارزش نوستالژیک دارد. نمونه آنجایی که در کنار ناقوس کلیسا، یادگارهای عاشقانه پاکو و لورا نشان می‌دهند یا شسته شدن نماد صلیب در سکانس پایانی.

حاشیه فیلم

این فیلم که فارغ از جریان و سازوکار ممیزی در ایران ساخته شده است، نشان داد که دست‌کم فقدان ممیزی، تأثیر مثبتی به لحاظ سینمایی بر فیلم فرهادی تنها کارگردان ایرانی دارای دو جایزه اسکار نداشته است و در مقایسه با فیلم‌های درباره‌الی و نیز جدایی نادر از سیمین (اولین اسکار سینمایی را برای فرهادی به ارمغان آورد)، از نظر سینمایی، دست پایین را دارد و زیادی متوسط به نظر می‌رسد.

«همه می‌دانند» فرهادی نشان داد نمی‌توان ضعف و ناتوانی‌های سینمایی را به ممیزی محدود کرد. فرهادی در همه می‌دانند، چه در سطح گفتار و رد و بدل شدن کلمات خاص و چه در سطح تصویر، با محدودیتی در این فیلم مواجه نبود اما فکر نمی‌کنم غیر از طولانی کردن فیلم، تأثیر مثبت سینمایی در بر داشته باشد.

قبلی‌اش را ندارد، بنابراین بار دراماتیک ضعیف‌تری دارد و دوم اینکه پایان باز ندارد و در پایان فیلم تکلیف هر دو مساله؛ یعنی عامل آدم‌ربایی و نیز مشخص شدن پدر واقعی ایزنه، شفاف می‌شود. «همه می‌دانند» گره‌افکنی پیچیده‌ای ندارد و در فرم روایت‌های فرهادی، ساده‌تر و برای مخاطب قابل‌انتظارتر است.

ضعف در منطق روایی فیلم

نکته اول اینکه چطور می‌شود یک دختر نوجوان در دهاتی که همه همدیگر را می‌شناسند، در درون یک عروسی با قطع برق و جست‌وجو برای او، درزیده شود و هیچ‌کس نفهمد و بتوان آن را برای روز کنعان کرد. این پدیده چندان باورپذیر و امکان‌پذیر نیست. روستایی‌هایی که خودشان می‌گویند همه خاله‌زنک هستند اما چطور نفهمیدند که شبانه دختر نوجوان را از عروسی بردند و هیچ‌کس در روستا متوجه نشد و به پلیس اطلاع نداد؟ فیلمساز به عمد، به این مساله نگاه نمی‌کند چون اگر در روستای کوچک بفهمند، پلیس می‌آید و بعد تعلیقی که قرار است به زور در روایت ایجاد شود، از بین می‌رود. این موضوع منطق روایی فیلم را دچار چالش می‌کند.

دومین ضعف در منطق روایی فیلم این است که دختر و داماد فرناندو که این کار را کردند، طبیعی این بود که روی ثروت آلفاندرو در آرژانتین با توجه به پول هنگفتی که دو سال پیش به کلیسا کمک کرده بود، حساب کرده باشند. به نظر می‌رسد درواقع برای دختر و داماد فرناندو امکانی برای فهمیدن ورشکستگی آلفاندرو نباشد همچنان که فیلم نشان می‌دهد که مادر ایزنه فقط بعد از سرقت ایزنه است که می‌گوید آلفاندرو ورشکست شده و دو سال است که بیکار است. اما فیلم از زبان کارآگاه بازنشسته فیلم نشان می‌دهد که دردان با درزدیدن ایزنه و در عین حال ندرزدیدن پسر کوچولو آلفاندرو و لورا که راحت‌تر و ممکن‌تر بوده است، از اول قصد بلکه کردن پاکو را داشته‌اند و بنابراین ایزنه را که محصول هم خوابگی لورا و پاکو بوده است، درزیده‌اند تا بتوانند پاکو را برای دادن پول هدف قرار دهند.

با چشم‌پوشی از دو ضعف پیش گفته، به قول معروف بار منطق روایی فیلم بار نمی‌شود و از جایی دیگر می‌لنگد. سومین ضعف منطق روایی فیلم به زنجیره علت- معلول عبیده‌ای است که فیلم متکی به آن روایت می‌شود. اینکه دختر و داماد فرناندو دست به آدم‌ربایی بزنند با همه هزینه‌هایی که این آدم‌ربایی از نظر حقوقی و قضایی و خانوادگی دارد، با این منطق که حرکات و رفتارهای ایزنه شبیه پاکو است پس حتماً ایزنه بچه پاکو است و همه هم این را می‌دانند (البته همزمان خود پاکو و همسرش نمی‌دانند!)، درحالی که تنها آلفاندرو و لورا از این ماجرا مطمئن هستند و قسم خورده‌اند به کسی نیز نگویند و بعد دزدان باید حساب کنند که لورا برای رهایی فرزندش، چنین مساله‌ای که برای او و شوهرش از نظر حیثیتی سنگین است را قطعاً به پاکو خواهد گفت و قطعاً پاکو نیز بعد از شنیدن این ماجرا، هم زن و هم مزرعه‌ای که طولانی مدت برای به ثمر نرسیدن آن زحمت کشیده است، فروخته و پولش را در اختیار آدم‌ربایان قرار خواهد داد، از یک زنجیره علی-معلولی عبیده‌ای حکایت می‌کند که بر فرض عبور منطق روایی فیلم از دو ضعف قبلی، در اینجا گرفتار می‌شود.



پرویز امینی
استاد دانشگاه

آنچه می‌خوانید بخش‌هایی از جلسه پرسش و پاسخ پرویز امینی جامعه‌شناس و استاد دانشگاه در مورد «همه می‌دانند» فیلم جدید اصغر فرهادی است که در اختیار «فرهیختگان» قرار داده است:

ساختار روایی فیلم

ساختار روایی فیلم سینمایی «همه می‌دانند» مانند غالب فیلم‌های فرهادی است. حدود ۳۰،۴۰ دقیقه مقدمه و نشان دادن جریان عادی زندگی است تا این حد که گاهی مخاطبان خسته می‌شوند. مثلاً در فیلم «درباره‌الی» دختر و پسری برای آشنایی همراه برخی دوستان‌شان به شمال می‌روند و همین آغاز و روند مسافرت به شمال، ۳۰،۴۰ دقیقه‌ای طول می‌کشد. در «گذشته»، در «فروشنده» یا در «جدایی نادر از سیمین» نیز همین رویه و روال طی می‌شود. در بخش دوم، ناگهان معما و ابهام ایجاد می‌شود. مثلاً در «درباره‌الی»، غرق شدن الی در دریا، یا در گذشته، معمای عامل خودکشی سلین، یا در «جدایی نادر از سیمین» علت و عامل سقط‌جنین خانم دستمکار و در «فروشنده»، ابهام عامل تجاوز به همسر. گاهی اوقات ابهام و برخی مواقع هم وجه غالب این بخش از فیلم‌های فرهادی، معما است. مثلاً به فیلم «درباره‌الی» نگاه کنید. همه چیز به آرامی روایت می‌شود و یک مجموعه از دوستان به شمال می‌روند و یک‌باره «الی» در دریا غرق می‌شود و ابهام قصه شکل می‌گیرد. حالا سوالات پشت سر آن هم شروع می‌شود که «الی» که بود و از کجا به این جمع اضافه شده است و ادامه ماجرا. یا مثلاً در گذشته با یک معما روبه‌رو هستیم. سلین همسر اول سمیر، خودکشی کرده و سوال پیش می‌آید که چه کسی باعث خودکشی سلین شده است؟ این معما است. یا مثلاً در «جدایی نادر از سیمین» با ابهام مواجه هستیم.

در بخش سوم فرهادی مخاطب را درگیر حل معما یا رفع ابهام ماجرا می‌کند که تقریباً در غالب فیلم‌های فرهادی این مساله جریان دارد. در همین بخش سوم روایت است که مخاطب دائماً با جواب‌های متفاوتی، برای حل معما مواجه می‌شود و هر بار حدسی می‌زند و درنهایت هم غالباً پایان فیلم باز یا به قول برخی عمده‌اند به لاتکلیف رها می‌شود. اما نکته‌ای که وجود دارد این است که در همین بخش سوم مخاطب با ایده مورد نظر فرهادی اعم از ایده اخلاقی یا معرفتی یا به تعبیری محتوادرگیر می‌شود. ساختار روایی «همه می‌دانند» نیز به همین شکل است. حدود ۳۰ دقیقه مقدمه و نمایش یک روند معمول زندگی، سپس به شکل ناگهانی و درست وسط یک مراسم عروسی، معما و ابهام ناپدید شدن یا آدم‌ربایی ایزنه دختر لورا و آلفاندرو شکل می‌گیرد و بخش سوم فیلم در پی مواجهه با این آدم‌ربایی صورت‌بندی می‌شود.

فرهادی در «همه می‌دانند» به لحاظ ساختار روایی نسبت به فیلم‌های قبلی‌اش تفاوتی نداشته و نوآوری در فرم ندارد. پس ساختار روایی «همه می‌دانند» تکراری است ولی در تکرار همین ساختار دو تفاوت با آثار قبلی‌اش دارد. یکی اینکه پیچیدگی‌ها و داستان‌های فرعی آثار